



تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۱	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱
-------------------------	--------------------------

بررسی نسبت صلح عادلانه با جنگ و جهاد در اسلام با تکیه بر قرآن و نهج البلاغه

سید محمد ساداتی نژاد^۱

سید علی ساداتی نژاد^۲

چکیده

نسبت جنگ و جهاد با صلح عادلانه موضوع بحث مقاله حاضر می‌باشد که با نگرشی بر آیات قرآن و نهج البلاغه به رشته تحریر درآمده است. در این مقاله، درباره صلح عادلانه، مفهوم جهاد و اهداف آن بحث می‌شود و ارتباط جهاد با مفهوم صلح عادلانه در اسلام بیان می‌شود. سوال اصلی مقاله این است که نسبت جهاد با صلح عادلانه چیست؟ فرضیه مقاله که مورد تأیید قرار گرفت، آن است که در اسلام، اصالت با صلح عادلانه است و جهاد، دعوت و تبلیغ تنها در فضا و محیط صلح عادلانه معنا و مفهوم پیدا می‌کند. نتیجه‌گیری مقاله این است که معارف اسلام درباره جهاد و اهداف آن هماهنگ با فطرت انسان و تامین صلح و عدالت است. اهداف جهاد شامل حاکمیت دین و دفاع از آن، دفاع از کیان دین، مذهب و

sadatinejad@yahoo.com
ali.sadatinejad@yahoo.com

۱ پژوهشگر ارشد روابط بین‌الملل و مدیر عامل جمعیت ندای صلح
۲ پژوهشگر روابط بین‌الملل و عضو هیئت علمی جمعیت ندای صلح

انسان‌ها، رفع فتنه و جلوگیری از فساد، حمایت از مظلومان، پایان دادن به درگیری میان جوامع اسلامی و ضرورت مقابله و مبارزه با استکبار، همه مویید آن است که جهاد در اسلام برای هوای نفس، قدرت‌طلبی، توسعه‌طلبی و کشورگشایی نیست بلکه با توجه به اصالت صلح عادلانه در اسلام، جهاد تنها در چارچوب صلح عادلانه معنا و مفهوم دارد.

واژگان کلیدی: اسلام، جهاد، صلح عادلانه، روابط بین‌الملل





مقدمه

اسلام کاملترین ادیان الهی است و تمام احکام و قوانین آن در راستای رشد، ترقی و تکامل همه‌جانبه انسان‌هاست. تمام احکام و آموزه‌های دین اسلام، منطبق و هماهنگ با فطرت انسانی است. یکی از این احکام، حکم جهاد و دیگری حکم صلح است. نگاه اسلام به جهاد و صلح و رویکرد پیامبر و امیرالمومنین (ع)، موجب شده است تا چه در میان محققین اسلامی و چه در میان مستشرقین، این بحث که در اسلام، اصالت با کدام یک از جنگ و صلح باشد، مورد بحث و مناقشه باشد. این مقاله بر آن است که این موضوع را از منظر دیگری ببیند و آن نگاه به جهاد از منظر صلح عادلانه است. بدیهی است که پیش‌فرض نویسندگان در این مقاله، آن است که اصالت در اسلام با صلح عادلانه و نه صلح به تنهایی است و اگر بر این اساس به مفهوم صلح نگاه شود، آنگاه جهاد و نگاه اسلام به جهاد معنای دیگری پیدا خواهد کرد و روشن می‌گردد که اسلام جهاد را در پرتو صلح عادلانه مطرح کرده است.

قانون جهاد یکی از مهمترین احکام و آموزه‌های اسلام است که برای دفاع از توحید و رفع موانع و عوامل مزاحم از مسیر حرکت تکاملی انسان، وضع و تشریح شده است. در بررسی مطالب نهج‌البلاغه ملاحظه می‌شود که یکی از اساسی‌ترین و مهمترین مسائلی که در کلمات و سخنان عمیق و گهربار علی بن ابیطالب (ع) از آن بسیار سخن رفته مسئله جهاد است. در ۳۲ مورد در نهج‌البلاغه نام جهاد و مشتقات این واژه برده شده است و از مجاهدین راه خدا و اسلام تمجید و ستایش فراوان به عمل آمده است. (سروش ۱۳۸۵)

آسیب‌شناسی مباحث مربوط به جهاد، این مسئله را عیان می‌کند که در طول تاریخ حیات اسلام، برخی به دلیل عدم شناخت کافی از فلسفه تشریح جهاد و ندیدن



آن در پرتو صلح عادلانه، یا از روی غرض‌ورزی (بخصوص مستشرقین) اسلام را متهم به خشونت و توسل به زور و شمشیر برای تحمیل عقیده ساخته‌اند و به این ترتیب، اصل جهاد در اسلام را (به معنای جنگ گرفته و آنرا) سخت مورد هجوم قرار داده‌اند. (دهنوی ۱۳۹۹)

به عنوان نمونه برناردلوییس خاورشناس انگلیسی، معتقد است: «اسلام خود را تنها دین بر حق، نهایی و جهانی می‌شناسد و براساس تفوق و برتری مسلمانان و کشور اسلامی، سیاستگذاری کرده است و جهان را به دو ناحیه دارالاسلام و دارالکفر تقسیم نموده و بین آن دو، حالت جنگ دائمی برقرار کرده است، تا زمانی که جهان را تحت کنترل خود آورد. حکومت اسلامی همواره بر این عقیده است که همه مردم جهان یا باید مسلمان شوند، یا خود را برای جنگ با اسلام آماده کنند. این اعتقاد تا زمان شکست امپراتوری عثمانی و جریان تسخیر دین در سال ۱۵۲۹م ادامه داشت، تنها در این زمان بود که اصل شناسایی از سوی حکومت اسلامی مطرح گردید و ایجاد روابط دوستانه و دیپلماسی با جهان غیر مسلمان آغاز شد. (خبرگزاری اهل بیت (ع) ۱۳۹۸)

ادعاهای مزبور، بر این پیش‌فرض استوار است که ماهیت فقه اسلامی، بر جهاد و جنگ است و اسلام دین شمشیر است، و جهاد اسلامی را دلیل بر مدعاشان آورده‌اند. این ادعاها، امروزه به صورت دیگری و در قالب شبهات نوین عنوان می‌شود که اسلام دین ترور و خشونت است، اسلام دین جنگ و شمشیر است و اینکه جهاد با یک اصل عمومی حقوق بشر به نام آزادی عقیده مغایرت دارد. (خبرگزاری اهل بیت (ع) ۱۳۹۸)

ولی واقعیت آن است که شبهاتی که در این زمان مطرح می‌شود تازگی ندارد. منشأ اتهامات فوق‌الذکر، اگر نگوییم اغراض سیاسی است، جهل نسبت به موضوع و جامعیت نداشتن در نگاه به این موضوع در اسلام است. از طرفی باید بین نظریه و



عمل برخی از حکمرایان قدرت طلب تفیک قائل شد. در بسیاری از موارد، آنچه که توسط بعضی از حکام و فرمانروایان کشورهای اسلامی صورت گرفته است مطابق با موازین اسلامی نبوده است. این ضعف‌های شناختی، موجب طرح چنین نظریات اشتباه و یا شبهاتی در اذهان شده است. (خبرگزاری اهل بیت (ع) ۱۳۹۸)

بنابراین سوال اصلی این مقاله پاسخ دادن به شبهات و سوالاتی از این دست است که آیا اسلام دین جنگ و شمشیر است؟ آیا جهاد برای تحمیل عقیده بر دیگران یا کشورگشایی و یا تملک منابع حیاتی است؟ آیا روابط بین‌المللی اسلام با دیگران، تنها براساس جهاد و جنگ مداوم، قابل تفسیر است؟ و فرضیه مقاله آن است که در اسلام صلح عادلانه اصالت دارد و جهاد و جنگ نیز در پرتو صلح عادلانه مفهوم پیدا می‌کند.

مفهوم صلح عادلانه

صلح در لغت به معنای «آشتی، سازش» (عمید ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۳۶۶) «سازش کردن، آشتی کردن» و «توافق» (معین ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۱۶) آمده است. در لغت‌نامه دهخدا نیز «آشتی»، «سلم» و «تراضی بین متنازعین» و «سازش» از معانی صلح دانسته شده است. (دهخدا ۱۳۷۷، ج ۹: ۱۳۲۴۸-۱۳۲۴۹) صلح رفع اختلاف، آشتی، پایان دادن به حالت جنگ و مسالمت است. (انیس و همکاران ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۱۰۶) و همچنین در اصطلاح سیاست، صلح یعنی حالت آرامش و نبودن مخاصمات در سطح بین‌المللی یا منطقه‌ای. (نعمت‌اللهی ۱۳۷۹: ۹۲) مقصود از صلح، سازش، تسلیم یا استسلام نیست، بلکه به دنبال وجود روابط عادی، طبیعی و آرام میان ملت‌هاست. (برزونی ۱۳۸۴: ۸۱-۸۲) صلح تا قبل از تاسیس ملل متحد در روابط بین‌المللی نیز همین مفهوم را داشت. (بیگزاده ۱۳۸۹: ۵۱۶) صرفاً فقدان جنگ به معنای برقراری و تداوم



صلح نیست بلکه انجام هر عملی که در تعارض با عدالت باشد ممکن است سبب تهدید صلح و نقض آن شود. این دیدگاه پس از پایان جنگ سرد قوام یافت. اما امروزه سخن از صلح و راهکارهای رسیدن به آن در مجامع علمی و سیاسی بیش از گذشته شده است. به طور کلی بحث‌های موجود درباره صلح اغلب آرمان‌گرایانه و ارزش‌گذارانه بوده‌اند و به تحلیل تجربی گرایش داشته‌اند. (بشیریه ۱۳۸۲)

در فارسی صلح در واقع همان آشتی است و در مقابل جنگ قرار دارد. چنانکه در عربی صلح مرادف سلم و در مقابل حرب و در زبان انگلیسی صلح «peace» و در مقابل جنگ «war» می‌باشد. در فرهنگ‌ها، زبان‌ها، ادیان و مکاتب مختلف نیز صلح در همان معنای آشتی و عدم درگیری و جنگ آمده است.

عدل نیز به معنای داد، انصاف امری بین افراط و تفریط، میزان، برابر کردن چیزی با چیزی (دهخدا ۱۳۷۷، ج ۹: ۱۳۹۰۵)، نهادن هر چیزی به جای خود (هجویری)، دادگری، انصاف و راستی (معین ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۲۸۲) و امثال آن آمده است. اهل لغت نیز آن را در برابر ظلم (اقرب الموارد)، بیداد، ستم (دستور اللغه) وجود (منتهی الارب) دانسته‌اند. (دهخدا ۱۳۷۷، ج ۹: ۱۳۹۰۵) با توجه به معانی عدل که همچون صلح به نوعی نگرش‌های روشن و همسویی بر آن حاکم است، معنی آن را می‌توان در قرار گرفتن هر چیزی در جای خود دانست. چنانکه امام علی (ع) پیشوای بزرگ اسلامی به زیبایی آن را در نهج‌البلاغه ترسیم نموده است. «العدل یضع الامور مواضعها» (فیض‌الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، حکمت ۴۳۷)، «عدل هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهد» و در ارتباط با اهمیت و نقش آن اشاره می‌نماید: «العدل سائس عام» (فیض‌الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، حکمت ۴۳۷)، «عدالت قانونی عام و مدبری کلی است».

در تعریف عدالت می‌توان اینگونه بیان کرد که عدالت جز اولین پایه‌های عمومی



حقوق بشر است. درباره عدالت، معانی و پیوند آن با صلح و نیز اقسام عدالت و منشا و راه تحقق هر یک، سخنان بسیار گفته و نوشته‌اند. در این زمینه نیز، صاحب نظران و دانشمندان از مکتب‌های گوناگون در گذشته و حال، تعریف‌ها و برداشت‌های گوناگونی را ارائه داده‌اند. تعریف‌هایی که از سوی آنان از عدالت شده، بیشتر تعریف به مصداق است. عالمان اخلاق، با توجه به مسائل اخلاقی، فقیهان با توجه به فقه، فیلسوفان و متکلمان و سیاستمداران هر کدام با توجه به دانش‌های مورد نظر خود، تعریفی را ارائه کرده‌اند. (مزینانی ۱۳۹۹)

مقوله صلح را نمی‌توان از ارزش‌های انسانی همچون عدالت، توسعه و امنیت جدا دانست، لذا صلح عادلانه بدون وجود ارزش‌های مذکور تحقق نخواهد یافت. در جامعه‌ای که عدالت نباشد، نمی‌توان انتظار تحقق صلح را داشت. صلح، عدالت، توسعه و امنیت عناصر لازم و ملزوم همدیگر هستند و بدون شک صلح پایدار بدون این عناصر، قابلیت تحقق نخواهد داشت. (صادق ۱۳۸۸: ۲۹۲)

با نظر به ماهیت صلح و عدالت، ارتباط و همبستگی این دو مفهوم به خوبی مشاهده می‌شود. به همین دلیل متفکران و اندیشمندان صلح همواره به عدالت رویکردی جدی داشته‌اند و صلح را بدون عدالت فاقد حقیقت و مفهوم حقیقی خود می‌دانند. همچنین این امر موجب پدید آمدن نظریات فراوانی در ارتباط با صلح و رابطه آن با عدالت و نظریه صلح عادلانه گردیده است. نمونه آن در دوره معاصر نظریه یوهان گالتونگ دانشمند نروژی و رئیس موسسه بین‌المللی در زمینه صلح می‌باشد که جنگ را معلول بی‌عدالتی دانسته و معتقد است صلح به معنای حقیقی، استقرار عدالت بین ملل عالم است. در واقع بی‌عدالتی در جهان معلول حاکمیت ملتی بر ملت دیگر، استعمار، استثمار و امثال آن می‌باشد که برای وصول به صلح مداوم و واقع باید این جریان‌ها از بین برود. از سوی دیگر تامین عدالت مستلزم روابط صمیمی، همکاری و تعامل میان دولت‌های عالم بوده و باید کشورهای ضعیف و



تنگ‌دست را یاری نمود.

از اینرو صلح عادلانه به معنای احترام به کرامت انسانی، رعایت حقوق بشر، عدالت، پابندی به آزادی مشروع انسان‌ها، جلوگیری از نفرت، خشونت، جنگ و حل منازعات از طریق شیوه‌های مبتنی بر عدم خشونت مانند آشتی، مذاکره، میانجی‌گری و مصالحه می‌باشد. در صلح عادلانه تلاش می‌شود تا از هر راه ممکن زمینه زیست باهمی مبتنی بر عدالت، احترام متقابل و یکدیگرپذیری را فراهم سازد و از هرگونه برخورد خشونت‌آمیز جلوگیری صورت گیرد. (آریا ۱۳۹۵)

دین اسلام دربردارنده ادبیاتی غنی از متون و نگرش‌های مبتنی بر اصالت صلح عادلانه می‌باشد که بر پایه مبانی معرفت‌شناسانه و انسان‌شناختی اسلامی می‌باشند. (اخوان کاظمی و همکاران ۱۳۹۸) صلح عادلانه یکی از اهداف اساسی در اسلام است، حالتی که در آن همزیستی مسالمت‌آمیز رواج دارد و جزء ارزشمندترین و اصولی‌ترین نیازهای بشری است. امکان رسیدن به صلح عادلانه، بدون توجه به عدالت میسر نمی‌شود. به عبارت دیگر اجرای صلح پایدار نیازمند اجرای عدالت است. در غیر آن صورت ممکن است برای مدتی صلح برقرار شود، اما قطعاً شکننده خواهد بود. (مقتدر ۱۳۸۴: ۴۸)

نظریه صلح عادلانه از نظر نگارندگان این مقاله، یک نظریه روابط بین‌الملل است که از سوی محققین ایرانی مورد تأیید قرار می‌گیرد. این نظریه را می‌توان به عنوان یکی از نظریات اسلامی و دینی در حوزه روابط بین‌الملل مفهوم‌بندی و ارائه کرد و این ظرفیت را دارد تا به تبیین پدیده‌های روابط بین‌الملل و به تجویز در این حوزه بپردازد.

صلح عادلانه در اسلام اصالت دارد و دولت‌های اسلامی و نظام بین‌الملل مورد تأیید دولت‌های اسلامی نیز باید به دنبال استقرار صلح عادلانه در جهان باشند.



ظهور حضرت مهدی (عج) نیز در جهت استقرار صلح عادلانه در جهان است. حقیقت و واقعیتی که تا قبل از ایشان هیچکسی موفق نشده است و موفق نخواهد شد تا آن را بطور کامل در جهان مستقر نماید.

در بخش اول این مقاله، صلح عادلانه و اجزای آن و اصالت آن در اسلام به صورت کلی توضیح داده شد و در بخش دوم به بررسی مفهوم جهاد در اسلام پرداخته می‌شود، مفهومی که مورد سوء استفاده زیاد در طول تاریخ قرار گرفته است و هر کسی از ظن خود یار آن شده است. این مقاله به دنبال کنار زدن گرد و غبارها از مفهوم جهاد و جنگ در اسلام و بررسی حقیقت آن در محیط (Context) صلح عادلانه است.

جهاد و نسبت آن با صلح عادلانه در اسلام

واژه «جهاد» از ریشه «ج-ه-د» به معنی کوشش، مبارزه و فعالیت است. از این ماده، شصت و نه مورد در نهج البلاغه وارد شده است. جهاد برعکس آنچه که امروزه توسط سیاستمداران مطرح می‌شود تنها به معنی جنگ و خونریزی نیست، بلکه در اصل به معنی کوشش و مبارزه در عرصه‌های گوناگون است.

جهاد در فرهنگ اسلامی ما دو نوع است؛ نخست جهاد دفاعی و دیگری جهاد ابتدایی. برخی می‌گویند که جهاد ابتدایی هم همان جهاد دفاعی و در تداوم جهاد دفاعی است. (قنبری ۱۳۹۸) همین معنا فرضیه این مقاله که جهاد را در محیط صلح عادلانه و در ارتباط با آن مطرح می‌کند را مورد تایید قرار می‌دهد.

در فرهنگ اسلامی مفهوم جهاد در دو قالب «جهاد اکبر» و «جهاد اصغر» تعریف شده است. جهاد اکبر جهاد با نفس و هوای نفس و شهوانیات است و این معنای از جهاد نیز موید فرضیه مقاله است که جهاد و جنگ در اسلام یک مفهومی دارای



قید و بند و در ارتباط با مقابله و مبارزه با شهوت و خودپرستی است. لذا جهاد اکبر، جهاد با درون و نفسانیات است و از جنگ بیرونی، تعبیر به جهاد اصغر می‌شود. پس جهاد اصغر که همان جنگ است در ارتباط با جهاد اکبر که مقابله با بی‌اخلاق و بی‌عدالتی و شهوت‌های نفسانی است معنا پیدا می‌کند و در ارتباط با آن محیط و به عبارتی استقرار صلح عادلانه در جهان است.

دین مبین اسلام هیچ وقت آغازگر جنگ نیست. به آیات قرآن نگاه کنید، بدون استثنا می‌گوید که اگر دیگران شروع به تیراندازی نکردند، شما تیراندازی نکنید. عین این فرمایش را امیرالمومنین (ع) در نامه‌های مختلف بیان می‌فرمایند. ایشان می‌گویند هر وقت دشمنان اولین تیر را انداختند، شما دومین تیر را بپندازید و هرگز آغازگر تیراندازی نباشید. امیرالمومنین (ع) در خطبه ۲۴ می‌فرمایند: «وَلَعَمْرِي مَا عَلَيَّ مِنْ قِتَالٍ مَنْ خَالَفَ الْحَقَّ وَ حَابَطَ الْأَعْيَّ مِنْ إِذْهَانٍ وَ لَا إِيْهَانٍ» (فیض‌الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، خطبه ۲۴)، «به جان خودم سوگند، در نبرد با کسی که مخالفت حق کند و طریق گمراهی سپرد، نه مدافعه می‌کنم و نه سستی.» در اینجا حضرت به صراحت می‌فرمایند که در مقابل ظالم سکوت نمی‌کنیم، منتها ظالمی که ما را هدف قرار داده است.

هرگاه امیرالمومنین (ع) احساس می‌کردند که مظلوم‌پروری می‌شود، در آنجا اجازه جهاد می‌دادند. حضرت اصلاً با فرهنگ و فلسفه مظلوم‌پروری موافق نیست، لذا می‌فرمایند که نباید اجازه دهید که مظلوم شوید. وقتی کسی به قلمرو اسلامی حمله می‌کند، حضرت می‌فرمایند که اگر شما مقاومت نکنید، من در آن لحظه آرزوی مرگ می‌کنم. چرا؟ دلیلش را در خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه بیان می‌کنند که اگر در این زمینه جهاد نکنید، شما خوار خواهید شد و مردن بهتر از زیستن همراه با ذلت است. (قنبری ۱۳۹۸)



آیین نجات‌بخش اسلام که تمام قوانین و احکامش در جهت رشد، ترقی و تکامل مادی و معنوی بشریت است و همیشه پیروانش را به حرکت به سوی کمال سفارش می‌نماید، برای فرد و جامعه‌ای که با مانعی مواجه شوند و استقرار صلح عادلانه در آن جامعه با مشکل مواجه شود دستوری برای شکستن سد و برداشتن مانع، وضع نموده است، تا در روند تکاملی انسان وقفه‌ای پیش نیاید، و آن دستور جهاد و مبارزه بی‌امان با هر نیروی بازدارنده انسان از رشد و تکامل و استقرار صلح عادلانه است، زیرا تنها وسیله و پدیده‌ای که با کمک و توسل به آن می‌توان جلو عوامل مزاحم فردی و اجتماعی برای استقرار صلح عادلانه را گرفت و از گسترش فساد و ستم جلوگیری نمود، بیدادگران را سرکوب کرد، متجاوز را سر جایش نشانند، زنجیر بردگی را برید و حقوق از دست رفته را باز گرفت، جهاد است.

امام علی (ع) می‌فرماید: «اما بعد فان الجهاد باب من ابواب الجنه، فتحه الله لخاصه اولیائه، و هو لباس التقوی، و درع الله الحصینه و جتته الوثیقه» (فیض الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، خطبه ۲۶: ۹۶)، «اما بعد، جهاد دری است از درهای بهشت، خداوند آن را به روی دوستان مخصوص خود گشوده است، جهاد لباس تقوا، زره محکم و سپر مطمئن خداوند است.» اشاره حضرت به لباس تقوا بودن جهاد ناظر به تأیید فرضیه مقاله است که جنگ و جهاد در اسلام و در فقه، بدون چارچوب و مستقل نیست بلکه در چارچوب و محیط استقرار صلح عادلانه معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

امام علی (ع) در وصیت به حسنین (ع)، آنها را به مجاهدت سفارش می‌فرماید: «و الله الله فی الجهاد باموالکم و انفسکم و السنکم فی سبیل الله» (فیض الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، نامه ۴۷)، «خدا را، خدا را، در مورد جهاد با اموال، جان‌ها، و زبان‌های خویش در راه خدا.» در خطبه دیگر مبارزه با گمراهان را لازم می‌شمارد: «اما بعد فان جهاد من صرف عن الحق رغبه عنه وهب فی نعاس العمی و الضلال



اختیاراً، فریضه علی العارفين، و انا قد هممنا بالمسير» (فیض الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، خطبه ۲۷)، «سراشیب ناینائی و گمراهی فرو افتاده، بر رهروان حق لازم است، ما کمر همت بسته ایم.» با توجه به اینکه تنها راهی که می‌تواند مانع تحقق یافتن آرزوهای زورگویان و استعمارگران شود جهاد است، حضرت می‌فرماید: «و بادروا جهاد عدوکم» (فیض الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، حکمت ۳۴)، «به جهاد دشمنان خویش مبادرت ورزید.»

فلسفه تشریح جهاد در اسلام بدین جهت است که بساط شرک و بت‌پرستی، فساد و تجاوز و بیدادگری از جامعه و زمین بر چیده شود و امت مسلمان در سایه صلح و عدالت و در محیط دور از گمراهی، تباهی و تبعیض به زندگی توأم با مهر و محبت و خلوص بسر برند. یعنی بر ملتی و امتی که شرک و بت‌پرستی به عنوان آیین حاکم باشد، و در جامعه‌ای که فساد و انحراف اخلاقی رایج شود، و ظلمت به جای نور قرار گیرد، و باطن جایگزین حق گردد، این دین یک نوع خرافه و این اندیشه یک نوع بیماری فکری است، که باید به هر قیمت شود آن را ریشه‌کن ساخت، تا این بیماری به دیگران سرایت ننماید. این یعنی همان استقرار صلح عادلانه و نشان دهنده اصالت داشتن صلح عادلانه در اسلام است. (شفائی ۱۳۷۳)

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «فو الله ما غزی قوم قط فی عقر دارهم. الا ذلوا» (فیض الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، خطبه ۲۷: ۹۴)، «به خدا سوگند هر ملتی در درون خانه‌اش مورد هجوم قرار گیرد حتماً ذلیل خواهد شد.» یعنی ملتی که در زمان جنگ به سوی دشمن نشتابند و از رفتن به میدان جهاد اجتناب کنند و مورد یورش دشمن قرار گیرند، شکست خواهند خورد و ذلیل و خوار خواهند شد، و ملتی که با استقبال دشمن بروند و در برابر آنان سر سختی و مقاومت نشان دهند و ضربات کوبنده بر آنها وارد سازند پیروز می‌گردند.



بدیهی است که حضور دشمن ظالم در سرزمین خود و پذیرش شکست، مساوی با قبول و نهادینه شدن ظلم و گسترش بی‌عدالتی در جامعه و متعاقب آن ناصحی، عدم آرامش و امنیت و ترویج ترور و خشونت است و در این زمان، جهاد و مقابله و جنگ و مبارزه و دفاع، گامی در جهت استقرار صلح عادلانه در جوامع است.

امام علی (ع)، در خطبه‌ای دیگر، بارور شدن درخت دین را یکی از فلسفه‌ها و ثمرات جهاد می‌شمارد و می‌فرماید: «و لعمری لو كنا ناتی ما ایتیم ما فام للدین عمود، و لا اخضر للایمان عود» (فیض‌الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، خطبه ۴۵: ۱۴۵)، «به جانم سوگند، اگر ما در مبارزه مثل شما بودیم هرگز پایه‌ای برای دین برپا نمی‌شد و شاخه‌ای از درخت ایمان سبز نمی‌گردید.» یعنی اگر ما هم، چون شما از شرکت در میدان جهاد، ترس و هراس داشتیم و از مبارزه با دشمنان اسلام خودداری می‌نمودیم، نه از دین خبر بود و نه از اسلام اثری.

این بیان از این منظر اهمیت دارد که تقویت دین و مذهب اسلام در جامعه به معنای ترویج صلح عادلانه در جوامع است، زیرا اصالت در اسلام با صلح عادلانه است و ترویج دین به این هدف یعنی استقرار صلح عادلانه کمک می‌کند.

حضرت در نیایشی، هدف و فلسفه توسل به جهاد را چنین بازگو می‌فرماید: «اللهم انک تعلم انه لم یکن الذی کان منا منافسه فی سلطان و لا التماس شیء من فضول الحطام، ولیکن لئرد المعالم من دینک و نظهر الاصلاح فی بلادک، فیا من المظلومون من عبادک، و تقام المعظله من حدودک.» (فیض‌الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، خطبه ۱۳۱: ۴۳۶)، «پروردگارا! تو می‌دانی آنچه ما انجام دادیم نه برای این بود که ملک و سلطنتی به دست آوریم، و نه برای اینکه از متاع پست دنیا چیزی تهیه کنیم، بلکه به خاطر این بود که نشانه‌های از بین رفته دینت را بازگردانیم، و صلح و مسالمت را در شهرهایت آشکار سازیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات در ایمنی قرار



گیرند، و قوانین و مقرراتی که به دست فراموشی سپرده شده بار دیگر عملی گردد. این بیان حضرت، بسیار روشن و دقیق، فرضیه مقاله را تایید می‌کند که جهاد در جهت استقرار صلح و عدالت است و برای احقاق حق مظلوم است نه برای شهوت و قدرت‌طلبی و جنگ‌طلبی.

حضرت برای اینکه مردم را به جهت نظری برای انجام فریضه جهاد توجیه کند، می‌فرماید: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِيَخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ وَ هُوَ لِيَأْسُ التَّقْوَى وَ دِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ وَ جُنَّتُهُ الْوَثِيقَةُ» (فیض‌الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، خطبه ۲۷)، «پی‌تردید جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند به روی ویژگان از دوستانش برگشوده است. آری، جهاد لباس برازنده پاکدامنی و پرهیزکاری، و زره امان بخش الهی، و سپر محکم اوست.»

در جایی دیگر حضرت فرمودند: «فَمَنْ تَرَكَهُ رَعْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ ثَوْبَ الدُّلِّ وَ شِمْلَةَ الْبَلَاءِ وَ ذِيَّتْ بِالصَّغَارِ وَ الْقَمَاءِ وَ ضَرَبَ عَلَى قَلْبِهِ بِالْإِشْهَابِ وَ أُدِيلَ الْحَقُّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ وَ سِيمَرَ الْحَسْفَ وَ مَنَعَ النَّصْفَ» (فیض‌الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، خطبه ۲۷)، «آن کس که از جهاد بگریزد خداوند تن‌پوش ذلت بر او پوشاند، و در طوفان فتنه و بلا سقوط کند، و در زیر چکمه فلاکت خرد و زیون شود، و عقل خود را از دست دهد، و به کیفر فرار از جبهه، حق از او روی گرداند، و سختی و مشقت بر او فرود آید، و عدالت از او روی برباید.»

لذا مشاهده می‌شود که از نگاه امام علی (ع) جهاد رکن اعلای اسلام و یکی از چهار رکن ایمان است. (فیض‌الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، حکمت ۳۰) و همه باید به سوی جهاد بشتابند، و هرکس می‌خواهد به سوی خدا پر کشد، باید در جهت استقرار صلح عادلانه تلاش کند و (از سکونتگاه خویش) خارج شود. (فیض‌الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، خطبه ۱۸۲) لذا امام علی (ع)، بهشت را زیر سایه نیزه‌ها و بهترین مرگ‌ها را



شهادت می‌نامد و می‌گوید قسم به آن کسی که جان پسر ابیطالب در دست اوست، هزار ضربه شمشیر بر من آسان‌تر از مرگ در بستر در غیر طاعت پروردگار است. (فیض‌الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، خطبه ۱۲۳)

مشاهده شد که امام علی (ع) جهاد را دری از درهای بهشت و وسیله‌ای برای حفظ عزت و شکوه امت اسلام برمی‌شمرد. از اینرو معتقد است که به فرمان جهاد، مردم با دل و دست و زبان به پا خیزند و عزت و کیان خود را پاس بدارند. امت اسلام یکپارچه در برابر باطل به صف ایستند و بر باطل خشم گیرند، زیرا هر که برای خدا پیکان خشم را در برابر باطل قرار دهد، خداوند او را بر باطل، هر قدر هم سخت باشد، پیروز گرداند. امام می‌فرماید هر که سرنیزه خشم خود را به خاطر خدا تیز کند، در نابود کردن سخت‌ترین باطل‌ها توانا بود. (فیض‌الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، حکمت ۱۶۵)

بنابراین نگاه دینی و معنوی حضرت به جهاد و تعبیر و عباراتی که در مورد جهاد به کار می‌برد، نشان دهنده آن است که جهاد یک مفهوم مقدس در اسلام است و در جهت استقرار صلح عادلانه است و اینطور نیست که حاکم اسلامی برای توسعه‌طلبی و قدرت‌طلبی جنگ به راه بیندازد، بلکه جنگ‌ها مقید و محدود به اصول و اهدافی است و آن اصول و اهداف همان استقرار صلح عادلانه در جهان است.

لذا مشاهده می‌شود که در مکتب اسلام، ارزش جهاد به احیای ارزش‌های دینی و الهی است و رزمنده باید تمام هدف خود را برای نیل به این هدف به کار گیرد. (رستمی ۱۳۸۴) جهاد برای هوای نفس و قدرت‌طلبی و کشورگشایی نیست. به همین دلیل، امیرالمؤمنین (ع) «جهاد» را به قید «فی سبیل‌الله» مقید می‌کند و از این طریق، روش و مقصد رزمنده دینی را از غیردینی متمایز می‌سازد و در وصیت‌نامه خود می‌فرماید: «اللّٰهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَ أَلْسِنَتِكُمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ.»



فیض الاسلام اصفهانی (۱۳۶۵، حکمت ۳۶۶)، «از خدا بترسید، از خدا بترسید درباره جهاد به مال‌هایتان و جان‌هایتان و زبان‌هایتان در راه خدا برای ترویج دین از هیچ چیز خودداری نکنید.»

بدین ترتیب نتیجه جهاد نکردن، خوار شدن است. برخی دولتمردان عربی که جهاد را رها کردند و به سمت سازش با رژیم اسرائیل و تن دادن به ذلت و صلح غیرعادلانه رفتند، نهایتاً چیزی جز ذلت و حقیر و کوچک شدن از جانب آمریکا و اسرائیل به دست نیاوردند. تعابیر خفت‌بار ترامپ در مورد حاکمان این کشورها شاهد محکمی بر صحیح نبودن این مسیر است. از جهتی سیر تحولات تاریخی در منطقه غرب آسیا نشان داد که این روند، یعنی عادی‌سازی رابطه با رژیم اسرائیل منجر به تحقق عدالت، آرامش و امنیت برای مردم فلسطین نشد و شاهد بودیم که در رژیم اسرائیل در جنگ ۱۱ روزه غزه، چگونه مجدداً حقوق فلسطینی‌ها را تضییع و خانه‌های آنها را خراب کرد و تعدادی زیادی از زنان، مردان و کودکان بیگناه را به شهادت رسانید.

این تحولات، مهر تاییدی بر این مطلب بود که تنها جهاد در محیط استقرار صلح عادلانه که هدف جبهه مقاومت نیز هست و جبهه مقاومت نیز از همین الگو دنباله‌روی و تبعیت می‌کند، مسیر درستی است که منجر به صلح و آرامش می‌شود و مشاهده شد که تنها به واسطه جهاد و مقابله حماس و سایر گروه‌های اسلامی در فلسطین بود که رژیم اسرائیل مجبور به پذیرش آتش‌بس شد.

در همین راستا قرآن کریم می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون، آیه ۸)، «عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است.» یعنی مسلمانان حق ندارند حقیرانه زندگی کنند، چون اینها خدا دارند مگر می‌شود مومن ذلیلانه زندگی کند؟ زیرا حقیرانه و ذلیلانه زندگی کردن، صلح و آرامش حقیقی به همراه نمی‌آورد و



تنها موجب تداوم ظلم و بی‌عدالتی و خشونت در جهان می‌شود. تنها صلح عادلانه و جهاد در جهت استقرار صلح عادلانه در جهان است که می‌تواند منجر به ریشه‌کنی ناامنی، جنگ و خشونت در جهان شود.

امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: «اگر شرق و غرب عالم با من دشمنی کنند و من بدانم حق با من است و آنها باطل هستند از این میدان فرار نمی‌کنم.» در جایی دیگر می‌فرماید: «اگر عرب با تمام امکانات و قوای خودش به جنگ من بیاید به شرطی که من حق باشم و آنها باطل، من هیچوقت عقب‌نشینی نمی‌کنم.» در خطبه ۳۴ نیز می‌فرماید: «ایْمُ اللّٰهِ اِنِّيْ لَاطُنُّ بِكُمْ اَنْ لَوْ حَمَسَ الْوَعْيٰ وَ اسْتَحَرَّ الْمَوْتُ قَدْ انْفَرَجْتُمْ عَنِ ابْنِ اَبِي طَالِبٍ انْفِرَاخِ الرَّاسِ» (فیض‌الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، خطبه ۳۴)، «به خدا سوگند، آنان که یکدیگر را واگذاشتند و یاری نکردند مغلوب شدند. پندارم که چون جنگ درگیر شود و کشتار به غایت رسد، چنان از گرد پسر ابوطالب پراکنده شوید که دیگر بازگشتی برایتان نباشد، بدانگونه که سر بریده دیگر به بدن نچسبد.» حضرت در ادامه می‌فرماید: «شما بدانید اگر کسی به دشمنش اجازه دهد به سرزمین او بیاید، این دشمن گوشت او را می‌خورد، استخوان او را می‌شکند، پوست او را می‌کند و اینجا خواهید دید که چقدر ذلیل خواهید شد و چقدر حقیر است آن عقل و قلبی که در درون سینه شماست.» حضرت در ادامه می‌فرماید: «فَأَمَّا أَنَا فَوَاللّٰهِ دُونَ أَنْ أُعْطِيَ دَلِيكَ صَرْبٌ بِالْمَشْرِفِيَّةِ نَطِيرُ مِنْهُ فَرَأَشُ الْهَامِ وَ نَطِيحُ السَّوَاعِدُ وَ الْأَقْدَامُ وَ يَفْعَلُ اللّٰهُ بَعْدَ دَلِيكَ مَا يَشَاءُ» (فیض‌الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، خطبه ۳۴)، «اما من، به خدا سوگند از پای ننشینم و قبل از آن که دشمن فرصت یابد با شمشیر آبدیده چنان ضربه‌ای بر پیکر او وارد سازم که ریزه‌های استخوان سرش را بپراکند، و بازوها و قدم‌هایش جدا گردد و از آن پس خدا هر چه خواهد انجام دهد.»

اینجا خطاب حضرت در مورد دشمن ظالمی است که نقشه کشیده و به دنبال ظلم و بی‌عدالتی و پیش بردن نقشه‌های خود در جهت تجاوز به حقوق دیگران



است. تعابیر حضرت در این فراز هم موید، مفهوم صلح عادلانه و معنا یافتن جهاد در چنین فضایی است.

جهاد در اسلام با جنگ مادی‌گرایانه در تاریخ بشر متفاوت است. همانطوری که اشاره شد مبنا و هدف جهاد در اسلام، پایداری، هدایت، ایثار و اصلاح امور انسان‌ها می‌باشد. در صورتی که جنگ‌های مختلف تاریخ بشر، بیشتر بر مبنای سلطه‌طلبی و اهداف توسعه‌طلبانه صورت گرفته‌اند و جز کشتار و خونریزی عواقبی نداشته‌اند. (خبرگزاری مهر ۱۳۸۵)

در اسلام، جهاد برای کشورگشایی و توسعه قدرت شخصی تشریح نشده، بنابراین، جهاد یک اقدام رهایی‌بخش (و در فضای صلح عادلانه) است نه اقدامی ستیزه‌جویانه. به همین منظور در صورتی که امکان وصول به اهداف جهاد از طریق غیر نظامی میسر باشد، نباید به جنگ متوسل شد، اصولاً لزوم دعوت کفار به اسلام قبل از آغاز جنگ به همین دلیل واجب شده است. از اینرو خداوند جهاد را به منظور سرکوبی مستکبران، رهایی مستضعفان و ایجاد زمینه معرفت و آشنایی (و نجات) کسانی که در جهالت و بی‌خبری نسبت به معارف توحیدی و راه‌های کسب سعادت دنیا و آخرت، نگه داشته شده‌اند، واجب کرده است. (وحیدی‌منش ۱۳۹۱)

علامه طباطبائی در نفی جنگ‌طلبی و ستیزه‌جویی اسلام و در بیان فلسفه و حقیقت جهاد می‌نویسد: غرض از جهاد اقامه دین و اعلا‌ی کلمه «الله» است، بنابراین، جهاد عبادتی است که در آن قصد قربت شرط است. جهاد برای برتری‌جویی بر اموال و اعراض دیگران نیست، بلکه برای دفاع از حق انسانیت واجب شده و دفاع ذاتاً محدود است، در حالی که تجاوز خروج از حد است. به همین دلیل، دنباله آیه می‌فرماید: «لا تعتدوا ان الله لا یحب المعتدین» (بقره، آیه ۱۹۰)، «تعدی و تجاوز نکنید، به درستی که خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد.» (طباطبائی ۱۴۱۷ ق: ۶۳)



در نتیجه اسلام حقیقی، نه تنها دین تعدی و تجاوز و ناسازگاری و جنگ نیست، بلکه دستورات و فرامین آن از جمله جهاد، اقدامی انسان دوستانه، حقوق بشری و در راستای گسترش صلح و عدالت در پرتو حاکمیت الهی و نفی حاکمیت طاغوت و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی است.

پس در برابر دشمنان و کفر اندیشان، تثبیت صلح، مشروط به عادلانه بودن آن و حفظ عزت و اقتدار اهل ایمان است. چنان‌که امام علی (ع) نیز در فرمان استانداری مصر به مالک اشتر می‌فرماید: «اگر دشمن تو را به صلح فراخواند و خشنودی خدا در آن بود، آن را رد مکن، زیرا صلح مایه آسایش سپاهیان تو و راحتی خودت از اندوه‌ها و دردها و امنیت سرزمین تو است، اما پس از صلح، از دشمن خود سخت بر حذر و هوشیار باش، زیرا گاه دشمن، خود را نزدیک می‌کند تا غافلگیرت کند. پس احتیاط کن و دوراندیش باش و به دشمن، خوشبین مباش.» (فیض الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، نامه ۵۳)

پذیرش صلح با نیت حقیقی، گامی در جهت استقرار صلح عادلانه است و به همین دلیل حضرت می‌گوید اگر دشمن چنین صلحی را به تو پیشنهاد داد قبول کن زیرا یقیناً به استقرار صلح عادلانه کمک می‌کند. در عین حال، حضرت توجه می‌دهد که مراقب باشد و راستی‌آزمایی کن که این صلح، حقیقی باشد زیرا اگر برای فریب باشد، نه تنها به صلح کمی نمی‌کند بلکه گامی در جهت افزایش خشونت‌ها و ناامنی است.

مروری به اهداف بیان شده برای جهاد در اسلام نیز به تأیید فرضیه این مقاله کمک می‌کند. یکی از این اهداف اعلام شده برای جهاد، حاکمیت دین و دفاع از آن است. از اینرو در اکثر قریب به اتفاق آیات مربوط به جهاد، قید «فی سبیل الله» آمده است تا بیانگر هدف از آن باشد. به عنوان نمونه «و قاتلوا فی سبیل الله الذین



یقاتلونکم و لا تعتدوا ان الله لا یحب المعتدین» (بقره، آیه ۱۹۰)، «و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد نکنید و از حد تجاوز نکنید که خداوند تجاوز کاران را دوست ندارد.» تعبیر به «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» هدف اصلی جنگ‌های اسلامی را روشن می‌سازد که جنگ در منطق اسلام، هرگز به خاطر انتقام‌جویی یا جاه‌طلبی یا کشورگشایی یا بدست آوردن غنائم، و اشغال سرزمین‌های دیگران نیست. اسلام همه اینها را محکوم می‌کند و می‌گوید سلاح بدست گرفتن و به جهاد پرداختن فقط باید در راه خدا، و برای گسترش قوانین الهی و بسط توحید و عدالت و دفاع از حق، و ریشه‌کن ساختن ظلم و فساد و تباهی باشد. همین نکته است که جنگ‌های اسلامی را از تمام جنگ‌هایی که در جهان روی می‌دهد، جدا می‌سازد و نیز همین هدف، در تمام ابعاد جنگ اثر می‌گذارد و کمیت و کیفیت جنگ، نوع سلاح، چگونگی رفتار با اسیران، را به رنگ فی سبیل الله در می‌آورد.

امام علی (ع) در این مورد می‌فرماید: «اللهم انك تعلم انه لم یکن الذی کان منا منافسه فی سلطان و لا التماس شیء من فضول الحطام و لکن لنزد المعالم من دینک و نظهر الاصلاح فی بلادک. فیامن المظلومون من عبادک و تقام المعطله من حدودک» (فیض الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، خطبه ۱۲۹)، «خدایا تو می‌دانی که جنگ ما برای سلطه‌جویی و دنیاطلبی نبود، بلکه می‌خواستیم تا شعار از میان رفته دین تو را بازگردانیم و اصلاح امور را در دیار و بلاد آشکار سازیم (صلح برقرار سازیم) تا بندگان مظلومت امنیت یابند و احکام و حدود تعطیل شده‌ات تجدید شده و بر پا گردد.»

یکی دیگر از اهداف جهاد از منظر اسلام دفاع از کیان دین، مذهب و انسان‌ها است. اگر دشمن به ما حمله کرد، و جان و مال و ناموس ما را هدف قرار داد، آیا باید سکوت کرده، و ضربات و لطمات دشمن را تحمل نموده، و نابود شویم، یا کسی که مورد هجوم قرار می‌گیرد مطابق حکم عقل و شرع حق دارد از خود دفاع کند؟



دفع تجاوز دشمن به مرزهای کشورهای اسلامی و دفاع از استقلال و تمامیت ارضی جزء حقوق هر ملتی است. متجاوزی که با نادیده گرفتن قوانین و ارزش‌ها و حقوق ملت‌ها، به خود اجازه تجاوز به کشوری را داده، جز پاسخ دندان‌شکن او را بر سر عقل نمی‌آورد. امیرالمؤمنین (ع) به مردم عراق که مرزهایشان مورد تجاوز و تاخت و تاز شایان قرار گرفته بود فرمود: «و بادروا جهاد عدوکم» (فیض‌الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، خطبه ۳۴)، «و در جهاد با دشمن پیشدستی کنید.» و در مورد این که متجاوز جز پاسخ دندان‌شکن نمی‌فهمد فرمود: «ردوا الحجر من حیث جاء، فان الشر لا یدفعه الا الشر» (فیض‌الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، حکمت ۳۰۶)، «پاره سنگ را به مبداش باز گردانید، که شر را تنها شر دفع می‌کند.»

دشمنان اسلام که خلق و خوی استثماری در باطنشان ریشه دوانده، دائماً به دنبال ایجاد فتنه و دسیسه‌هایی هستند تا موانعی را در مقابل تعالیم انسان‌ساز اسلام فراهم سازند و جلوی تحقق و گسترش این فرهنگ آسمانی را بگیرند. اسلام برای رفع آن موانع، مسلمانان را به جهاد و مبارزه مکلف کرد. (جوادی آملی ۱۳۸۴: ۲۷۲-۲۷۷)

بنابراین یکی دیگر از اهداف جهاد در اسلام، خاموش کردن آتش فتنه‌ها و آشوب‌هایی است که سلب آزادی و امنیت از مردم می‌کند و همچنین محو آثار شرک و بت‌پرستی، و نیز مقابله با متجاوزان و ظالمان و دفاع در برابر آنان است، تا صلح و امنیت برقرار شود. (مکارم شیرازی ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۵)

خداوند متعال می‌فرماید: «وقاتلوهم حتی لا تکنون فتنه و یكون الدین لله فان انتهوا فلا عدوان الا علی الظالمین» (بقره، آیه ۱۹۳)، «با آنها (دشمنان) پیکار کنید تا آتش فتنه خاموش شود و دین مخصوص خدا گردد پس اگر آنها (از روش نادرست خود) دست برداشتند، (متعرض آنها نشوید زیرا) تعدی جز بر ستمکاران روا نیست.»



بر اساس این آیه شریفه، مسلمانان موظف هستند با فتنه دشمنان به مقابله برخیزند و آنها را از فتنه‌انگیزی بر علیه اسلام و مسلمانان باز دارند این فتنه گاه در غالب شرک و بت‌پرستی نمایان می‌گردد و گاه در فساد و فشارهای دشمنان بر علیه مسلمانان. از اینجا حکمت جنگ‌های خداپسندانه هم روشن می‌شود. جنگی که برای دفع و رفع فساد، فتنه، ناامنی، تهاجم، غارت و سفاکی و استقرار صلح عادلانه باشد، نه برای شهوت و قدرت‌طلبی و توسعه‌طلبی، چنین جهاد و جنگی مقدس است و انبیای الهی و پیروان راستین آنها، پرچمدار و پشتیبان و فرمانده آن بوده‌اند. (بهشتی ۱۳۹۲)

امیرالمؤمنین (ع) نیز درباره خوارج که با تاویل حقایق در اندیشه فتنه‌جویی بودند، می‌فرماید: «نقاتل اخواننا فی الاسلام علی ما دخل فیہ من الزیغ و الاعوجاج و الشبهه و التأویل» (فیض الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، خطبه ۵۴)، «با کسانی که در اسلام با ما برادرند، به دلیل لغزش و انحراف و کجی و اشتباه و تاویل حقایق، ناگزیر از جنگ شده‌ایم.»

یکی دیگر از اهداف جهاد در اسلام حمایت از مظلومان و ستم‌دیدگان و مقابله با ظالمان و ستمگران می‌باشد. دستور خداوند در این زمینه این است: «و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان» (نساء، آیه ۷۵)، «چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که به دست ستمگران تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟ همان افرادی که می‌گویند پروردگارا ما را از این شهر که اهلش ستمگرند.»

به این ترتیب، قرآن از مسلمانان می‌خواهد که هم در راه خدا و هم مستضعفان مظلوم، جهاد کنند، و اصولاً این دو از هم جدا نیستند و با توجه به اینکه در آیه فوق، قید و شرطی نیست، این مظلومان و مستضعفان در هر نقطه جهان باشند، باید از آنها دفاع کرده و نزدیک و دور، داخل و خارج کشور تفاوت نمی‌کند و به



تعبیر دیگر حمایت از مظلومان در مقابل ظالمان در اسلام یک اصل است که باید مراعات شود، حتی اگر به جهاد منتهی گردد. اسلام اجازه نمی‌دهد مسلمانان در برابر فشارهایی که به مظلومان جهان وارد می‌شود بی‌تفاوت باشند، و این دستور یکی از ارزشمندترین دستورات اسلامی است که از حقانیت این آیین خبر می‌دهد.» (مکارم شیرازی ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۵-۲۶)

امام علی (ع) خطاب به دو فرزند بزرگوارش امام حسن و حسین (ع) فرمود: «كُونَا لِظَالِمٍ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» (فیض‌الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، نامه ۴۷: ۴۲۱)، «دشمن ظالم و یار و کمک کار مظلوم باشید.» در این روایت نیز سخنی از مسلمانان نیست، بنابراین، دفاع از مظلوم وظیفه هر مسلمانی است، هر چند مظلوم غیر مسلمان باشد.

یکی دیگر از اهداف جهاد در اسلام، پایان دادن به درگیری‌هایی است که بین دو قبیله مسلمان یا دو کشور اسلامی رخ می‌دهد و این، همان چیزی است که امروزه به نیروی محافظ صلح در دنیا معروف شده است. در روایات اسلامی موقعیت مؤمنان و مسلمانان نسبت به یکدیگر، و وظیفه آنها در برابر همدیگر بیان شده است.

خداوند در آیه ۹ و ۱۰ سوره حجرات به این نوع جهاد اشاره دارد و می‌فرماید: «وَ اِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ * إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات، آیه ۹ و ۱۰)، «و اگر دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آنها را آشتی دهید، و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز بیکار کنید تا به فرمان خدا باز گردد، و هرگاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو صلح عادلانه برقرار سازید و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت



پیشگان را دوست می دارد. مؤمنان برادر یکدیگرند، پس بین دو برادر خود صلح و آشتی برقرار سازید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد تا مشمول رحمت او شوید.»

مقابله با ظلم و استکبار از دیگر اهداف جهاد اعلام شده است. توجه به متون دینی نشان دهنده آن است که از جمله وظایف و تکالیف انسان مؤمن در زندگی اجتماعی خویش بیزاری از استکبار، روشننگری درباره آن و نیز مبارزه عملی با آن است. از آنجایی که استکبار نوع خاصی از ظلم و اخص از آن است، لذا هر دستوری درباره مقابله با ظلم که به صورت مطلق ذکر شده باشد خود به معنای مبارزه با استکبار نیز خواهد بود. استکبار گاهی در جامعه‌ای (یا کشوری) اتفاق می‌افتد که انسان مؤمن و مسلمان خود در آن زندگی می‌کند و گاهی نیز در جامعه یا کشور دیگری صورت می‌گیرد. در حالت دوم مقابله و مبارزه با مستکبر به منظور دفاع از مظلوم است. با نظر به آیات قرآن و روایات و سیره معصومین (ع) انسان مؤمن در هر دو حالت وظیفه دارد که اولاً با استکبار مبارزه نموده و ثانیاً به انسان‌های مظلوم و مستضعفی که مورد ظلم مستکبر قرار دارند کمک نماید.

امام علی (ع) ظلم‌ستیزی و مبارزه با مستکبران را یکی از وظایف حکومت اسلامی، علماء، دانشمندان و روشنفکران جامعه قلمداد می‌کند و به آنان یادآور می‌شود که جلو تعدی و ستم را بگیرند و مددکار مظلومان باشند و از حقوق آنان دفاع نمایند. این مطلب از گفتار آن حضرت در نهج‌البلاغه استفاده می‌شود و از جمله در خطبه «شکشیه» می‌فرماید: «و ما اخذالله علی العلماء ان لا یقاروا علی کظة ظالم و لا سغب مظلوم» (فیض الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، خطبه ۳)، «اگر خداوند از علماء پیمان نگرفته بود که با پرخوری ظالم و گرسنگی مظلوم آرام نگیرند، زمام خلافت را به حال خود رها می‌کردم.»

امام علی (ع) دفاع از مظلوم و مبارزه با ظالم را یک اصل اساسی می‌دانستند و



کوچکترین سهل‌انگاری و تردید را در این راستا جائز نمی‌دانست و می‌فرمود: «وایم الله لانصفن المظلوم من ظالمه ولاقودن الظالم بخزا مته حتی آورده منهل الحق و ان کان کارها» (فیض‌الاسلام اصفهانی ۱۳۶۵، خطبه ۱۳۶)، «به خدا سوگند! داد مظلوم را از ظالم می‌گیرم و افسار ظالم را می‌کشم تا وی را به آبشخور حق وارد سازم، هرچند کراحت داشته باشد.»

همه این مواردی که به عنوان اهداف جهاد اعلام شد شامل حاکمیت دین الهی و دفاع از آن، دفاع از کیان دین، مذهب و انسان‌ها، رفع فتنه و جلوگیری از فساد، حمایت از مظلوم، پایان دادن به درگیری دو گروه از مسلمانان و مقابله با ظلم و استکبار همه موید این روایت است که جهاد مفهومی در چارچوب صلح عادلانه است و برای کمک به صلح و در جهت استقرار صلح عادلانه است. این بر خلاف جنگ در نظریه‌پردازی‌های موجود روابط بین‌الملل است که برای کسب قدرت و حفاظت از منافع مطرح است. در اسلام، جنگ، دارای قید و بند است و تنها برای استقرار صلح عادلانه امکان استفاده از آن وجود دارد. چنین مفهومی از جهاد و جنگ، موید اصالت داشتن مفهوم صلح عادلانه در اسلام است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری

دین اسلام دربردارنده ادبیاتی غنی از متون و نگرش‌های مبتنی بر اصالت صلح عادلانه می‌باشد که بر پایه مبانی معرفت‌شناسانه و انسان‌شناختی اسلامی می‌باشند. از منظر اسلام، صلح و عدالت دو مفهوم مرتبط با یکدیگر و تفکیک ناپذیرند، به گونه‌ای که تحقق عدالت از مهمترین پیش‌شرط‌های تحکیم و تثبیت صلح پایدار تلقی می‌شود و اساسا صلحی که بر عدالت مبتنی نباشد، صلحی ناپایدار، سطحی و ظاهری خواهد بود و در بهترین حالت مفهوم صلح منفی را می‌توان بر آن اطلاق



نمود. به این ترتیب، مفهوم صلح عادلانه بر محوریت عدالت به شکلی واقع‌گرایانه و با در نظر گرفتن مقتضیات و واقعیت‌ها و نیازهای زندگی جمعی بشر مطرح می‌گردد که هم در سطح داخلی و هم در مقیاس بین‌المللی می‌تواند تامین‌کننده نیازهای فطری جوامع بشری به صلحی پایدار باشد.

از اینرو آیین نجات‌بخش اسلام که تمام قوانین و احکامش در جهت رشد، ترقی و تکامل مادی و معنویت بشریت است و همیشه پیروانش را به حرکت به سوی کمال سفارش می‌نماید، برای فرد و جامعه‌ای که با مانعی مواجه شوند، و صلح و امنیت‌شان به خطر بیفتد، دستوری برای شکستن سد و برداشتن مانع، وضع نموده است، تا در روند تکاملی انسان وقفه‌ای پیش نیاید، و آن دستور جهاد و مبارزه بی‌امان با هر نیروی بازدارنده انسان از رشد و تکامل که هدف آفرینش و بازدارنده از استقرار صلح عادلانه است، می‌باشد، زیرا تنها وسیله و پدیده‌ای که با کمک و توسل به آن می‌توان جلو عوامل مزاحم فردی و اجتماعی را گرفت و از گسترش فساد و ستم جلوگیری نمود، بیدادگران را سرکوب کرد، متجاوز را سر جایش نشانده، زنجیر بردگی را برید، حقوق از دست رفته را باز گرفت و صلح عادلانه را محقق کرد جهاد است.

در اسلام، جهاد هیچگاه هدف نبوده، بلکه جهاد وسیله‌ای برای برقرار کردن صلح و عدالت و نجات ملت‌ها بوده است. چنانکه امیرالمومنین (ع) در خطبه «شقشقیه» می‌فرماید: «و ما اخذالله علی العلماء ان لا یقاروا علی کظة ظالم و لا سغب مظلوم»، «اگر خداوند از علما پیمان نگرفته بود که با پرخوری ظالم و گرسنگی مظلوم آرام نگیرند، زمام خلافت را به حال خود رها می‌کردم.» از اینرو فلسفه تشریح جهاد در اسلام در فضای صلح عادلانه است و بدین جهت است که بساط شرک و بت‌پرستی، فساد و تجاوز و بیدادگری از جامعه و زمین بر چیده شود و امت مسلمان در سایه صلح و عدالت و در محیط دور از گمراهی، تباهی و تبعیض به زندگی توأم با مهر و محبت و خلوص بسر برند.



در مکتب علوی هر صلحی مطلوب تلقی نمی‌شود و صرفاً صلح عادلانه محور قرار می‌گیرد. در نگرش صلح عادلانه، استقرار آرامش و امنیت و ایجاد بستر عدالت مطرح است. طبق این نگرش توحیدی، صلحی که هدف آن صرفاً توقف جنگ و در نتیجه حفظ ثبات نسبی و قبول وضع موجود باشد، تأمین‌کننده منافع ظالمان بوده و خود ظلمی مضاعف و مفهومی در تقابل با صلح عادلانه تلقی می‌شود. از اینرو، مفهوم جهاد تا زمان تحقق صلح عادلانه، در راستای مبارزه با دشمنان (صلح و عدالت مطرح می‌گردد).

صلح از دیدگاه امام علی (ع)، به معنی دست کشیدن از حقوق عادلانه نیست، بلکه دست کشیدن از جنگ یا آشتی کردن بر پایه عدل است. از منظر امام علی (ع) در نهج‌البلاغه برداشتی عدالت‌محورانه و توحیدی از صلح ارائه می‌شود. از اینرو امام علی (ع)، در سخنانش اهداف و شروطی را برای صلح عادلانه ضروری می‌داند. در بررسی مفهوم جهاد و صلح در نهج‌البلاغه این نکته حاصل می‌شود که امام علی اصالت را به صلح عادلانه داده است و جهاد نیز وسیله‌ای و مفهومی در چارچوب استقرار صلح عادلانه است. از دیدگاه ایشان، جهاد در حکم جراحی بیمار است، یعنی اگر تنی سالم باشد، نیازمند جراحی نیست و اگر جامعه بیمار نباشد، از جهاد می‌پرهیزد. از اینرو، اسلام جهاد را برای خاموش کردن آتش خانمان‌سوز فتنه می‌خواهد. اگر فتنه‌ای نباشد، جنگی نیست و اگر بشود بدون جنگ، آتش فتنه را خاموش کرد، نباید به جنگ روی آورد. از اینجا حکمت جنگ‌های خدایسندانه هم روشن می‌شود. جنگی که برای دفع و رفع فساد، فتنه، ناامنی، تهاجم، غارت و سفاکی و استقرار صلح عادلانه باشد، نه برای شهوت و قدرت‌طلبی و توسعه‌طلبی، چنین جهاد و جنگی مقدس است و انبیای الهی و پیروان راستین آنها، پرچمدار و پشتیبان و فرمانده آن بوده‌اند.



با توجه به مطالبی که بیان شد و اهدافی که اسلام در جهاد دنبال می‌کند می‌توان گفت جهاد در راستای تحقق صلح عادلانه است و زمانی تجویز می‌شود که صلح عادلانه به خطر بیفتد. بنابراین اسلام جهاد را ابزاری در راستای ایجاد صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز و تحقق صلح عادلانه می‌داند. به طور خلاصه می‌توان گفت:

۱- اسلام همانطور که به دنبال ایجاد صلح عادلانه در میان همه ملت‌هاست و عوامل واگرایی مانند طائفه‌گرایی، نژادپرستی و تبعیض‌طلبی را نفی می‌کند، هرگز سلطه‌طلبی و خودکامگی و برتری‌طلبی را بر نمی‌تابد و جهاد را در مبارزه با تجاوز و سلطه‌گری و تحقق صلح عادلانه واجب می‌داند. امام علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «ان الله عزوجل فرض الجهاد و عظمه، و جعله نصره و ناصره، و الله ما صلحت دنیا و لا دین الا به»، «خداوند عزوجل جهاد را واجب کرده، و آن را بزرگ شمرده و یاری و یاورش قرار داده است. به خدا سوگند که دنیا و دین جز با جهاد اصلاح نمی‌شود.»

۲- در اسلام روابط میان همه ملت‌ها باید بر اساس برادری باشد. روابط بین مسلمین نیز باید بر اساس اخوت بنیان و بر همگرایی و همبستگی امت اسلامی تنظیم گردد، اما چنانچه نزاعی اتفاق افتد، و صلح و امنیت عادلانه به خطر بیفتد، جهاد در مقابل طغیان و تجاوز در این حوزه در نظر گرفته شده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «هرگاه دو گروه از مومنان با هم به جنگ پردازند، میان آن دو آشتی نمایند و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد، و هرگاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد) در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید، و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد.» (حجرات، ۹) امیرالمؤمنین (ع) نیز می‌فرماید: «اصلاحُ ذاتِ البینِ اَفْضَلُ مِنَ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَ الصَّیَامِ»، «اصلاح و سازش دادن میان مسلمانان از تمام نمازها و روزه‌های



(مستحی) بالاتر است.»

نویسندگان در این مقاله، تلاش کردند تا برای اثبات مدعا و فرضیه خود، بیشتر به نهج البلاغه پناه برند و از کلمات گه‌ریار حضرت در نهج البلاغه استفاده نمایند. نهج البلاغه دریایی است پهناور و اقیانوسی است ژرف و جهانی است بیکران که می‌توان با تدبیر در خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار آن، مطالبی ناب و انسان‌ساز در زمینه اخلاق و سیاست و تربیت از آن استنباط و استخراج کرد. این کتاب مستطاب، هم درس جهان‌بینی می‌دهد و هم درس ایدئولوژی. مطالب عمیق آن از سطح ملت‌ها و امت‌ها فراتر و گسترده‌تر و در حقیقت جهانی و جاودانی است. هر انسانی از هر نژادی و پیرو هر کیش و آیینی می‌تواند از آن بهره‌مند شود. امام علی (ع) در جای جای نهج البلاغه سخنانی مهم و ارزشمند در اثبات فرضیه این مقاله درباره رابطه جهاد و جنگ با صلح علانه مطرح کرد.

جهاد و دعوت و تبلیغ بخشی از برنامه اسلام برای استقرار صلح عادلانه در جهان است. اهدافی که در اسلام برای جهاد ذکر شده، کاملاً منطقی است. منتها برای کسانی که اطلاع دقیقی از فلسفه تشریح جهاد در اسلام ندارند، فهم این مطلب تا حدودی دشوار می‌نماید. در حقیقت یکی از مهمترین عوامل حفظ و پایداری صلح و دوستی عادلانه، جهاد رهایی‌بخش است.

از آنچه که تحت عنوان اهداف جهاد در اسلام آمد، روشن می‌شود که اسلام جهاد را با اصول صحیح و منطقی عقل و در جهت استقرار صلح عادلانه هماهنگ ساخته است و هرگز آن را وسیله‌ی سلطه‌جویی و غضب حقوق دیگران و تحمیل عقیده و استعمار و استثمار قرار نداده است. از مجموع مطالبی که بیان شد به این نتیجه می‌رسیم که تشریح جهاد در اسلام، نه تنها با صلح و عدالت تنافی ندارد که مکمل و تضمین‌کننده آن است. چه این که در اسلام، بر خلاف مذاهب انحرافی،



همه چیزها تنها بر محور توصیه و اندرز دور نمی‌زند، لذا جهاد برای درهم کوبیدن ظالمانی که به عقل و منطق و صلح عادلانه گردن نمی‌نهند، تشریح شده است.

در این مقاله حاکمیت دین و دفاع از آن، دفاع از کیان دین، مذهب و انسان‌ها، رفع فتنه و جلوگیری از فساد، حمایت از مظلومان، پایان دادن به درگیری‌های کشورهای اسلامی و ضرورت مقابله و مبارزه با استکبار از جمله مهمترین اهداف جهاد در اسلام شمرده شد که توجه به آن روشن کرد که هیچ یک از اهداف غیرانسانی که موجب پیدایش جنگ‌های خانمان‌سوز فراوانی در طول تاریخ شده است از قبیل منافع مادی و اقتصادی، جاه و تفوق طلبی، کشورگشایی و قهرمان‌خواهی و ... در اهداف جهاد دیده نمی‌شود، بلکه جهاد در اسلام در راستای مقابله با مظاهر زشتی و پلیدی، حاکمیت ارزش‌های انسانی و اخلاقی و وسیله‌ای برای برقرار کردن صلح و عدالت و نجات ملت‌ها است و با اهداف الهی و انسانی همراه است.

در نهایت با توجه به مطالبی که بیان شد و اهدافی که اسلام در جهاد دنبال می‌کند، روشن شد که مفهوم جنگ، قتال و جهاد در اسلام و از نگاه قرآن و نهج البلاغه در راستای تحقق صلح عادلانه است و زمانی تجویز می‌شود که صلح عادلانه به خطر بیفتد. بنابراین اسلام جهاد را ابزاری در راستای ایجاد صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز و تحقق صلح عادلانه می‌داند.



منابع

- ۱- آریاء، سلطان احمد (۱۳۹۵)، راه‌های دستیابی به صلح در افغانستان، کنفرانس علمی (صلح، نیاز امروز، راهکار فردا)، توسط موسسه تحصیلات عالی کهکشان شرق و موسسه واسا، ۲۳ ثور ۱۳۹۵.
- ۲- اخوان کاظمی، مسعود، رستمی، فرزاد، لطفی، کامران (۱۳۹۸)، مفهوم و مبانی صلح در نهج‌البلاغه، دو فصلنامه علمی ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)، سال چهاردهم، دوره جدید، شماره ۵۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
- ۳- انیس، ابراهیم، منتصر، عبدالعظیم، الصوالحي، عطیه، محمدخلف، احمد (۱۳۸۹)، المعجم الوسيط، ترجمه محمد بندر ریگی، جلد ۱، انتشارات اندیشه اسلامی.
- ۴- برزنونی، محمدعلی (۱۳۸۴)، اسلام، اصالت جنگ یا اصالت صلح؟، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳۳.
- ۵- بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تاسیسی)، تهران، نگاه معاصر.
- ۶- بهشتی، احمد (۱۳۹۲)، دین و سیاست: صلح در نهج‌البلاغه، مجله «درس‌هایی از مکتب اسلام»، شماره ۷، مهر ۱۳۹۲.
- ۷- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۹)، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، تهران، انتشارات مجد.
- ۸- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، حق و تکلیف در اسلام، قم، مرکز نشر اسرا.
- ۹- خبرگزاری اهل بیت (ع) (۱۳۹۸)، فلسفه جهاد در اسلام و اهداف آن چیست؟، ۷ اردیبهشت ۱۳۹۸، قابل دسترس در سایت خبرگزاری اهل بیت (ع) به آدرس: <https://b2n.ir/j29761>.



۱۰- خبرگزاری مهر (۱۳۸۵) جهاد و جنگ از منظر امام علی (ع)، نگاهی به نهج البلاغه و سیاست آرمانی از منظر امام علی (ع)، ۱۷ مهر ۱۳۸۵، قابل دسترس در سایت خبرگزاری مهر به آدرس: mehrnews.com/x5mhs.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، جلد ۹، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۱- دهنوی، سید محسن (۱۳۹۹)، جهاد در اسلام، ۳۱ خرداد ۱۳۹۹، قابل دسترس در سایت مجمع جهانی صادقیین (ع) به آدرس: <https://b2n.ir/d69461>.

۱۲- رستمی، امین (۱۳۸۴)، جهاد و اهداف متعالی آن در سیره نظامی معصومان (علیهم السلام)، معرفت، شماره ۹۵.

شروش، حمیده (۱۳۸۵)، جنگ و صلح، ۱۹ آذر ۱۳۸۵، قابل دسترس در سایت سازمان تبلیغات اسلامی به آدرس: <http://old.ido.ir/a.aspx?a=1385091902>.

۱۳- شفائی، حسین (۱۳۷۳)، جنگ و جهاد در نهج البلاغه، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۱۴- صادقی، زهرا (۱۳۸۸)، تبیین دو مفهوم صلح و عدالت و جایگاه آن در سیاست خارجی دولت نهم، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۱۷، بهار ۱۳۸۸.

۱۵- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ق)، المیزان، ج ۱۰، بیروت، مؤسسة الاعلمی.

۱۶- عمید، حسن (۱۳۹۳)، فرهنگ فارسی عمید، جلد ۲، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.

۱۷- قرآن کریم

۱۸- فیض‌الاسلام اصفهانی، سید علی نقی (۱۳۶۵)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، چاپخانه سپهر.



۱۹- قنبری، بخشعلی (۱۳۹۸)، در فرهنگ اسلامی اصالت با «صلح» است، نه «جهاد»/ پیامدهای ترک جهاد در نهج البلاغه، ۲۱ بهمن ۱۳۹۸، قابل دسترس در سایت به آدرس: <https://b2n.ir/w41204>.

۲۰- مزینانی، محمدصادق (۱۳۹۹)، راهکارهای دستیابی به عدالت اجتماعی، مجله حوزه، شماره ۹۹، شهریور ۱۳۹۹.

۲۱- معین، محمد (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، جلد ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۲۲- مقتدر، هوشنگ (۱۳۸۴)، حقوق بین‌المللی عمومی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۲۳- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۲۴- نعمت‌اللهی، همایون (۱۳۷۹)، واژه‌نامه سیاسی ویژه نوجوانان و جوانان، تهران، انتشارات عباسی.

۲۵- وحیدی‌منش، حمزه علی (۱۳۹۱)، اهداف جهاد در اسلام، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، نشریه معرفت، شماره ۱۰۲، آذر ۱۳۹۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی